

دکترین جدید سیاست خارجی هند چیست؟

«تعهد چند جانبه» جایگزین «عدم تعهد»



میراحمدرضا مشرف
پژوهشگر مسائل بین‌الملل

تحولات نظام بین‌المللی در سال‌های اخیر به قدری پرشتاب و توأم با دگرگونی‌های عمیق بوده که بسیاری از کشورها را به تجدید نظر اساسی در رویکردها و برنامه‌های کوتاه‌مدت و درازمدت در عرصه سیاست خارجی ناگزیر کرده است. هند در جایگاه دومین کشور پرجمعیت جهان، یکی از ۵ اقتصاد برتر دنیا و صاحب بزرگ‌ترین نظام سیاسی دموکراتیک جهان؛ یکی از کشنورهایی است که با توجه به تأثیر پذیری عمیق از مجموعه تحولات بین‌المللی از یک‌سو و برخورداری از مجموعه دستگاه دیپلماسی مجرب و کارآمد از سسوی دیگر، پیش و بیش از همه به تطبیق سیاست خارجی و رویکردهای حاکم بر آن با تحولات جدید بین‌المللی باور دارد و می‌اندیشد. بر همین اساس «سرجان‌شاه» تحلیلگر هندی اخیراً مقاله‌ای را در روزنامه معتبر ایندین اکسپرس هند منتشر کرده که در آن بر دکترین جدید سیاست خارجی هند و چشم‌انداز آن با توجه به آینده تحولات بین‌المللی، تأکید و توجه شده است.

دکترین عدم تعهد؛ بستری برای دوری هند از چالش‌های بین‌المللی

اکنون یک دهه از حاکمیت نازندرا مودی در هند می‌گذرد و در این مدت تقریباً هیچ ناظری در عرصه سیاست بین‌الملل نیست که متوجه تغییر تدریجی و البته شستابان هند نه‌مقطر در جایگاه بین‌المللی، بلکه در وضعیت درونی آن نشده باشد. در تحلیل سیاست خارجی باید، هم آنچه که یک ملت انجام می‌دهد و هم عملکرد دیپلمات‌ها را در نظر گرفت. همیشه این قدرت‌های بزرگ عصر خودشانند که چهارچوب‌ها و روایت‌هایی را تعریف می‌کنند که در نهایت همه اقدامات و تصمیم‌ها براساس آنها قابل رویت است. گاهی اوقات قدرت‌های بزرگ به صراحت دکترین‌های سیاسی خود را منتشر می‌کنند؛ ایالات متحده یک دکترین مونرو و در قرن نوزدهم و یک دکترین ویلسون در طول جنگ جهانی اول و پس از آن ارائه کرد. از بسیاری جهات، هنری کسینجر و رونالد ریگان نیز هر یک دکترین‌های خود را به سیاست خارجی ایالات متحده وارد کردند. از سوی دیگر می‌توان «دکترین پر ژئف» اتحاد جماهیر شوروی در اوج دوران جنگ سرد و دکترین «عدم تعهد» خودمان در دوران تهر و را مورد یادآوری قرار داد. دکترین عدم تعهد به‌عنوان یکی محصول دوران پس از استقلال، هم ظرفیت‌های ما به‌عنوان یک ملت و هم از مان‌گرایی ایدئولوژیک ما را شامل می‌شد. ما کشور فقیری بودیم که از نظر ژئوپلیتیکی توانایی کمی برای پیگیری فعلا نه نتایج



داشتیم و در طول جنگ سرد از شفافیت ایدئولوژیکی لازم برای متعهد شدن به یک سیستم یکپارچه برخوردار نبودیم. نتیجه‌ای که با برچسب عدم تعهد شناخته می‌شود، بیش از هر چیز دیگری برای به حداقل رساندن اثرات نامطلوب رویدادهای ژئوپلیتیکی بر توانایی ما برای گذراندن فرایند مشقت‌بار توسعه اجتماعی- اقتصادی و سیاسی داخلی طراحی شد. در واقع ما می‌خواستیم به جای آنکه به چیز خاصی برسیم، از دردمسر دوری کنیم.

دکترین جدید مودی – جایشتکار؛ تعهد چند جانبه

عدم تعهد از بسیاری جهات به‌عنوان یک ویژگی ضمنی سیاست خارجی هند در دهه‌های پس از جنگ سرد باقی مانده است. با این حال با انتقال میراث همکاری امنیتی ما با اتحاد جماهیر شوروی به فدراسیون جدید روسیه و درحالی‌که دیاسپورا[جامعه اقلیت‌های هندی مقیم جهان غرب] و پیوند‌های اقتصادی ما با غرب همچنان تقویت می‌شود، منطقی روابط هند در دو طرف این طیف ژئوپلیتیکی، کماکان زیر سوال رفته است؛ مودری که از زمان حمله به اوکراین در سال ۲۰۲۲، بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

سناریوی مطلوب بنزینی دولت

سیاست‌هایی از جمله گسترش زیرساخت‌های گازی برای خودروها، ارائه تسهیلات ویژه برای متقاضیان خودروی گازسوز، توسعه زیرساخت‌های قطار شهری و تراموا در شهرهای بزرگ، کاهش تعرفه واردات خودروهای با سوخت پابین و محدود کردن خودروسازهای داخلی به تولید خودروهای با سوخت پهنبینه و تمرکز بر فعالیت‌های عملیاتی برای کاهش قاچاق سوخت مد نظر است. اما در کوتاه‌مدت و به‌صورت فوری باید سیاست‌های قیمتی برای کنترل مصرف سوخت اعمال شود که به همین منظور سناریوهای متفاوتی پیش رو داریم که عدم دقتس و ژرف‌نگری در انتخاب و اجرای دقیق یک سناریوی کارآمد که همه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موضوع را پوشش دهد می‌تواند برای کشور آثار نگران‌کننده‌ای به دنبال داشته باشد. بدیهی است شرایط توری کشور و تحریم‌های ظالمانه بر آن نیز باید در سیاست‌های اتخاذی لحاظ شود. بنابراین در این یادداشت ابعاد مختلف اقتصادی امنیتی سه سناریوی موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد و بهترین سناریو از بین آن‌ها پیشنهاد می‌شود. اولین سناریوی موجود برای واقعی کردن نرخ بنزین، براساس آنچه که گفته می‌شود در ذهن دولتمردان به عنوان یک گزینه اساسی مطرح می‌باشد این است که بدون هیچ‌گونه تبعیزی در قیمت‌های سهمیه‌ای ۱۵۰۰ تومانی و آزاد ۳۰۰۰ تومانی، بخشی از بنزین ۳۰۰۰ هزار تومانی که دولت خودش آن را می‌فروشد، در قالب بنزین ۱۵۰۰ تومانی به سرپرست خانوارهای فاقد خودروه دوازده و سهم هر عضو خانواده مثلاً ۱۵ لیتر خواهد بود. بر اساس آمار وزارت کار از ۲۹ میلیون خانوار کشور حدود ۱۳ میلیون خانوار فاقد خودرو هستند. ۱۱ میلیون خانوار نیز دارای یک خودرو بسوده و ۳/۵ میلیون خانوار نیز دو خودرویی بوده و مابقی نیز سه خودرو و بیشتر دارند. حدود نیمی از خانوارها فاقد خودرو بوده و حدود ۵درصد خانوارهایی که خودرو دارند، بیشتر از سه خودرو در اختیار دارندس. هدف این طرح پارتوزیع یارانه بنزین در بین همه خانوارها است. اما چند نکته در خصوص این سناریو قابل تأمل است؛ اول اینکه این سناریو همان ادامه طرح دولت قبل در خصوص دونرخ کردن بنزین در سال ۸۸ بود که متأسفانه در آن طرح علاوه بر اثرات توری بر کشور باعث



در شرایطی که در زمان نخست‌وزیر مودی، بسیاری شاهد تداوم بیشتر از تغییر در این موضع بوده‌اند، برخی از تعاملات ژئوپلیتیک اخیر هند احتمالاً ایجاد یک «دکترین جایشتنکار-مودی» جدید را به نمایش گذاشته است. از وزیر خارجه ما چنین نقل شده است: «جهان چندقطبی مستلزم استراتژی با مسیره‌ای چندگانه و تعهد چندجانبه از سوی هند است…» در اینجا «عدم تعهد» با «تعهد چندجانبه» جایگزین شده است. جایشتنکار به صراحت چشم‌انداز جدیدی را برای تعامل ما با جهان ارائه کرده است؛ به‌ویژه در سفر اخیر خود به ایالات متحده و در جایی که در جریان یک تعامل طولانی، در مورد اینکه چگونه هند می‌تواند امیدوار باشد که همه چیز به همه مردم تعلق داشته باشد، تحت فشار قرار گرفت. در آن جا جایشتنکار با کنایه گفت ما قصد داریم خودمان را واقعاً همه مردم کنیم. منظور او این بود که ما صرفاً منافع نداریم، بلکه ارزش‌هایی نیز داریم هر دو در نحوه برخورد ما با کشورهای و موقعیت‌ها اهمیت خواهند داشت.

احتمالاً تمایز کلیدی بین عدم تعهد در آن زمان و تعهد چندجانبه کنونی در این نیست که هند به یک کشور یا گروهی از ملت‌ها نزدیک‌تر یا دورتر باشد،

بلکه تفاوت در نحوه تعامل هند با همه ملت‌هاست. در توضیح این امر باید گفت برخلاف اینکه بخواهیم سرمان را پایین نگه داریم و امیدوار باشیم که هیچ رویداد ژئوپلیتیکی ما را مورد آسیب قرار ندهد، اکنون به‌طور فعال دیدگاهی آینده‌نگر درباره تعامل جهانی شکل می‌دهیم و نتایجی را در راستای منافع ملی دنبال می‌کنیم. این نشان‌دهنده جدیت در تلاش و در دسترس بودن ظرفیتی است که می‌توان از آن برای ایجاد چنین نتایجی استفاده کرد.

درواقع ما اینجاییم تا بازی کنیم. به‌عنوان مثال معادله هند- روسیه، ایران- اسرائیل و ایالات متحده- کانادا را در نظر بگیرید. هند در چند سال گذشته به‌طور هم‌زمان موضعی ضدجنگ اتخاذ کرده و در عین حال نه روسیه و نه اسرائیل را کاملاً محکوم نکرده است. نفت خام روسیه را با قیمت‌های پر منفعت خریداری کرده و در عین حال تجهیزات پیشرفته دفاعی ایالات متحده را نیز به دست آورده است. دولت هند به یک برنامه ترور در کانادا و ایالات متحده متهم شده و با هر یک به‌طور کاملاً متفاوتی برخورد می‌کند. این کشور به بحث در مورد بنذر هند در ایران[چاپهار] ادامه داده و در عین حال از حق اسرائیل برای پاسخگویی در غزه حمایت می‌کند. از یک منظر هند براساس محاسبات امروزی در موقعیت ژئوپلیتیکی مطلوبی قرار دارد، به‌طوری‌که به نظر می‌رسد همه طرف‌ها به‌طور ضمنی رویکرد عملگراییانه‌اش را پذیرفته‌اند.

دکترین جدید تا چه زمانی پاسخگوست؟

آزمون کلیدی در اینجاست که آیا هند از فضای باز تازه کشف شده خود برای دنبال کردن علایق عریان استفاده می‌کند یا اینکه هرچه دکترین می‌گوید باید آن گونه‌باشد، برقرار است؛ یک موضع اخلاقی و یک موضع منطقی. آیا در شرایطی که دیپلمات‌های هندی و دیگر سخنگویان تحت فشار قرار می‌گیرند، می‌توانند روایتی را ارائه دهند که ارزش‌های هند را در همان سطحی که بازتاب‌دهنده

منافع کشور است، انعکاس دهند؟

این سسنجش دکترین جدید درنهایت تا زمانی اعمال می‌شود که این روند با دردمسر مواجه شده و زمینه افول چندقطبی نوظهور به شکل جدیدی از دوقطبی یا جنگ سرد دوم فراهم شود. با توجه به اینکه دکترین جایشتنکار- مودی به مشارکت عمیق با کشورها در راستای منافع یا ارزش‌های مشترک با هر دوی آنها اجازه می‌دهد، با این حال به نظر می‌رسد از اتحاد‌های صریح اجتناب می‌کند و با این شرایط ممکن است زمانی فرا برسد که دست هند برای چنین اقدامی بسته باشد. اگر درستی فرضیه جایشتنکار درباره آینده چندقطبی ثابت شود، رویکرد فعلی می‌تواند به هند کمک کند؛ در غیر این صورت باید به یاد داشته باشیم که نمی‌توانیم هم یک‌یک خود را بخوریم و هم آن را داشته باشیم.



می‌کند و این چرخه باعث افزایش مصرف کاذب خواهد شد. همین طور نفس وجود سهمیه برای هر خودرو به‌صورت روانی موجب تحریک استفاده بدون نیاز واقعی از خودرو می‌شود. با بررسی‌های صورت‌گرفته به‌صورت علمی با توجه به کشتش قیمتی تقاضا برای بنزین با حذف سهمیه ۱۵۰۰ تومانی بنزین پیش‌بینی می‌شود شاهد کاهش ۵الی ۱۰ درصدی در مصرف بنزین باشیم. به‌عبارتی دیگر فاصله ۱۱۴ میلیون لیتری تولید تا ۱۲۰ میلیون لیتری مصرف با حذف بنزین ۱۵۰۰تومانی از بین می‌رود و نیاز به واردات به حداقل می‌رسد. همچنین در این سناریو کمترین افزایش از نظر توری در جامعه ایجاد می‌شود و در شرایط توری فعلی کشور بهترین تصمیم می‌تواند باشد تا در دوره‌های زمانی بعدی به‌صورت مدیریتی و در فواصل زمانی قیمت بنزین به‌صورت آرام افزایش یابد. در فاز دوم در بودجه سال آینده افزایش ۵۰ درصدی قیمت بنزین همراه با سایر حامل‌های انرژی پیش‌بینی شود و از ابتدای سال ۱۴۰۴ بنزین با قیمت ۴۵۰۰تومان عرضه شود و سالانه در ابتدای سال نیز افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی پیش‌بینی شود که در این تدبیر نیز به دلیل وجود انتظارات توری همراه با سال جدید، افزایش قیمت بنزین کمترین افزایش نرخ تورم را در پی خواهد داشت و خود ورود به سال جدید در همه حامل‌های انرژی از جمله قیمت بنزین انتظار افزایش قیمت بنزین وجود خواهد داشت. توجه داشته باشیم که سناریوی اخیر هرچند نمی‌تواند مطلوب‌ترین راه‌حل باشد اما با توجه به ترک فعل صورت‌گرفته در مسیر بهینه‌سازی سوخت و قیمت انرژی در سالیان اخیر و انباشته شدن مشکلات به‌صورت فعلی در مسیر مصرف بنزین چاره‌ای جز راهکار فعلی باقی نمی‌ماند. بدیهی است تأخیر در اجرای سناریوی سوم، مشکل را به جایی خواهد رساند که افزایش واردات بنزین منجر به دردمسرهای جدی برای دولت خواهد شد و بناچار دولت را مجبور به شوک‌درمانی و اثرات مخرب آن خواهد کرد. بنابراین تأخیر در تصمیم‌گیری و عدم اجرای راهکار بهینه در زمان مشخص درخصوص بنزین می‌تواند منجر به ضربه به منافع اقتصادی و امنیتی کشور و مصداق ترک فعل برای تصمیم‌گیران در این زمینه باشد.



حتی نمی‌دانیم اسماعیل هنیه چرا و چگونه در تهران ترور شد؟! هنوز که هنوز است دقیق نمی‌دانیم آیا آتش بس لبنان با رژیم دست و پای بچه‌های حزب‌الله را می‌بندد یا خیر؟ هنوز که هنوز است نمی‌دانیم… خیلی چیزها را نمی‌دانیم و جست‌وجوگر تقاضای تقاضای یافتن یک روایت صحیح از نفس افزاده است، اما خبری از آن‌ها که باید خبر بدهند نیست! آن‌ها که باید میدان‌دار تحلیل و روایت باشند باید باور کنند این روش در این زمانه جواب نمی‌دهد؛ در شرایطی که تحلیل‌ها به موازات و هم‌زمان با اخبار روی خطلند و برنده کسی است که «روایت اول» را بیان کند. خاطرم است ۱۷ مرداد ۱۴۰۳ سردار سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز خبرنگار در خبرگزاری صداوسیمما حاضر شد و ضمن بازدید و گفت‌وگو با خبرنگاران و سردبیران این خبرگزاری گفت: «قدرت کلمات و تصاویر از قدرت موشک بیشتر است.» خب! اگر چنین است چرا چندی است مردم در هجوم سلاحی قوی تر از موشک تنها مانده‌اند؟ اگر ما نگویم، دیگران خواهند گفت و ذهن مردم را به آن‌جا که می‌خواهند خواهند برد، آن‌وقت هرچه تقلا و تکذیب کنیم و به پیر و پیغمبر قسم بخوریم و آیه بیاوریم بی فایده است. نباید گذاشت ماجرای هواپیمای اوکراینی و تبعات آن تکرار شود.

خاطره وحشی‌گری‌های قرون وسطایی سلفی‌ها مانع همراهی مردم با آن‌ها شود و بار دیگر آنان را «مخالفان مسلح» حکومت بشار عنوان می‌کند که اقتدارها هم ترسناک نیستند و حتی می‌شود بر سر بعضی موضوعات با آن‌ها اشتراک نظر هم داشت. این سرگردانی و اعوجاج یک معنی بیشتر ندارد و آن هم نبود اطلاعات درست از شرایط میدان بود. چیزی که در اختیار ما نبودا مخاطب ایرانی از کارشناس و تحلیل گر گرفته تا اهالی رسانه و مردم عادی کوچک و بازار در برهوتی از حقیقت تنها و بی‌پناه رها شده و در تشنگی یک روایت صحیح قابل اتکا از اوضاع سوریه به سر می‌برد، اما خبری از آن‌ها که باید خبر درست بدهند نبود! آن‌هم در روزگاری که به قول ژان بودریار، فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی خبرنگاران و گزارشگران به محض وقوع در محل حادثه حاضرند و روایت مدنظر خود را معاویه می‌کنند. از آن طرف رسانه‌های جریان سلطه از معامله ایران بر سر سوریه می‌گویند و هزار و یک شبهه و سؤال در ذهن ایرانی جماعت پدید می‌آورد که پس این‌همه هزینه که طی این سال‌ها برای سوریه دادیم بیهوده بود؟! بگذارید صریح و بدون ملاحظه بگویمس در چند ماه اخیر حقیقتاً جای روایت ایران به عنوان یکی از بازیگران اصلی میدان خالی است و ما هنوز که هنوز است

فرهنگ‌نخبگان

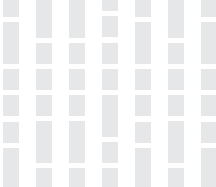
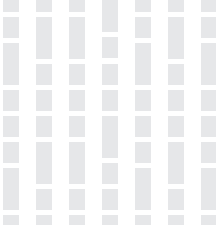
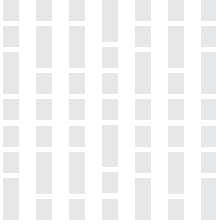
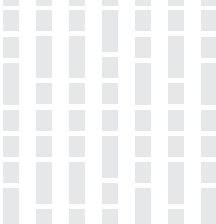
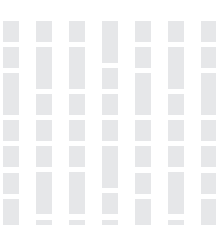
راهبر



سه‌شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۳۰۰

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE



برهوت حقیقت، خلأ روایت

سیدآزاده امامی
خبرنگار

هنوز از پیچ‌وخم تحلیل آتش بس حزب‌الله و تروریست‌های کودک‌کش صهیونیست بیرون نیامده بودیم و مانده بودیم آیا روایتی که مدعی پذیرش خلیع سلاح و عقب‌نشینی حزب‌الله تا آن‌سوی لبنانی است را باور کنیم یا نه، که رخداد‌های سوریه آوار شد روی سرمان؛ دو هفته است نمی‌دانیم چطور شد خیال آرام‌مان از عقبه جبهه مقاومت این‌همه تا‌آرام شد و حالا گویی ورق برگشته و این همه هزینه از تک‌مان رفته است! خود ماجرا و بزرگی و پیچیدگی آن یک طرف، فقدان یک روایت صحیح از چندوچون اوضاع میدان در سوریه طرف دیگر! در چند روز گذشته و پیش از سقوط رسمی سوریه در بامداد یکشنبه در خبرها دمشق هزار بار سقوط کرد و تروریست‌ها تا چند قدمی حرم حضرت‌رقیه(س) رسیدند و بشار اسد یک‌بار در هتل اسپیناس تهران دیده شد و چند دقیقه بعد خبر پناهنده شدنش به امارات آمد و فلان روزنامه از گریختش به روسیه نوشت و بهمان خبرگزاری از فرارش به قطر!

یکی از درگیری‌های مجدد در حماه و محصص گفت و دیگری از تسخیر بی‌دردمسر شهرها یکی پس از دیگری یک‌یک کارشناس از اهمیت استراتژیک